



بررسی دلایل قائلین به تعامل وهابیت با شیعه، از سوی علمای وهابی

مصطفی غفوری*

چکیده

تعامل و گفتگو با دیگران، جزء لاینفک زندگی انسان محسوب می‌شود. این مسئله در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، مورد توجه قرار گرفته و علاوه بر سفارش به تعامل، راه و روش تعامل با دیگران نیز، بیان شده است. خط اصیل وهابیت، از ابتدای پیدایش تاکنون، نسبت به شیعه دیدگاه منفی و تقابلی داشته و حکم کفر و خروج از اسلام را برای شیعیان صادر نموده و هنوز نیز، بر آن نظر است؛ اما این، تمام واقعیت نبوده و علمای وهابی، از یک طیف و گروه نیستند؛ امروزه برخی از وهابی‌ان از رویکرد خط اصیل وهابیت فاصله گرفته و بر این باور شده‌اند که باید راه تعامل و گفتگو با شیعه را در پیش گرفت، اینان در عمل نیز، به این ایده پایبند بوده‌اند که گزارشات علمای شیعه‌ای که با آنان تعامل داشتند، بر این مطلب گواهی می‌دهد. هر یک از این وهابی‌ان برای تعامل با شیعه، دلایل خاص خود را دارند که ایده قرآنی بودن تعامل، تأکید روایات بر تعامل، تعامل بر اساس اخوت و برادری دینی، تعامل بر اساس زندگی مسالمت‌آمیز، وجود دشمن مشترک، تعامل بر اساس وحدت و گفتگوی ملی، از دلایل این طیف محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، تعامل، شیعه، تقریب بین مذاهب.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که تعامل و گفتگو با دیگران، جزء لاینفک زندگی او محسوب می‌شود. این تعامل به شکل‌های مختلف از قبیل تعامل دو فرد، پیروان دو گروه یا دو جریان یا مذهب صورت می‌گیرد. مسئله تعامل با دیگران، همواره مورد توجه دین اسلام قرار داشته و کتاب و سنت، بر این مسئله تأکید دارد. وهابیت و شیعه، به‌عنوان دو بخش از جهان اسلام هستند که هم در منطقه دارای قدرت بوده و هم تأثیرگذار هستند. تعامل سازنده و اتحاد این دو بخش می‌تواند، چالش‌های جهان اسلام را کاهش دهد و برعکس، تقابل این دو بخش می‌تواند جهان اسلام را با چالش مواجه کند.

از زمان پیدایش وهابیت تاکنون، شیعه و وهابیت، نگاه تقابلی به یکدیگر داشته‌اند و بر علیه یکدیگر اقدام به سخنرانی، تألیف کتاب و مقاله و پایان‌نامه نموده‌اند. خط اصیل علمای وهابی، از ابتدای پیدایش تاکنون، نسبت به شیعه دیدگاه منفی داشته و دارند و حکم کفر و خروج از اسلام را در برابر شیعیان صادر نموده‌اند. محمد بن عبدالوهاب، بنیان‌گذار فرقه وهابیت تصریح می‌کند که شیعیان از ملت اسلام خارج هستند.^۱ یا لجنة دائم افتای عربستان، در فتوایی بیان کرده که عوام شیعیان نیز، مانند علمایشان کافرند.^۲ بر اساس همین رویکرد، هرگونه تعامل با شیعه را ممنوع دانسته و اهل سنت و وهابیت را، از تعامل با شیعه برحذر می‌دارند؛ به‌عنوان نمونه، در تاریخ ۱۳۸۱ق، بن‌باز مفتی سابق عربستان، وقتی متوجه می‌شود که تعدادی از علمای بغداد به مدینه آمده‌اند، از آنان دعوت می‌کند که از دانشگاه اسلامی مدینه بازدید کنند؛ پس از بازدید این علما، علامه سید مرتضی عسکری نیز که در میان آنان بوده، به سخنرانی درباره وحدت امت اسلامی می‌پردازد؛ در پایان، بن‌باز که تازه متوجه می‌شود، او شیعه است، خطاب به علامه عسکری می‌گوید: «انتم مشرکون اسلموا ثم اطلبوا من المسلمین ان يتحدوا معکم»؛ شما مشرک هستید؛ اول مسلمان شوید، بعد از مسلمانان بخواهید با شما وحدت داشته

۱. «فهؤلاء الإمامية خارجون عن السنة بل عن الملة»؛ (ابن عبدالوهاب، محمد، رسالة في الرد على الزايفه، ص ۴۲).

۲. دویش، احمد، اللجنة الدائمة: ج ۲، ص ۳۶۷، السؤال الثاني من الفتوى رقم ۹۲۴۷.

باشند.^۱ یا شیخ عبدالله بن جبرین، از علمای بزرگ وهابی، از اهل سنت می‌خواهد تا هیچ ارتباط و تعاملی با شیعیان نداشته باشند^۲ و معاشرت و ازدواج^۳ و خرید و فروش^۴ با آنان را جایز نمی‌داند.^۵

اما همواره این سوال مطرح بوده است که آیا تمام وهابیت همین دیدگاه را نسبت به شیعه دارند یا خیر؟ آیا در میان آنان، فرد یا افرادی که قائل به امکان تعامل بین شیعه و وهابیت باشند، وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این سوال باید گفت، با تغییر و تحولات صورت گرفته در میان وهابیت، طیف جدیدی از وهابیت که برخلاف خط اصیل وهابیت، قائل به گفتگو و تعامل با دیگران هستند، به وجود آمده است. این طیف از وهابیت، اگرچه نسبت به طیف اصیل وهابیت از جمعیت کمتری برخوردارند، اما روز به روز در حال گسترش هستند؛ لذا معرفی این طیف از علمای وهابی و بررسی دیدگاه آنان درباره تعامل با شیعه، از اهمیت زیادی برخوردار است که این مقاله، عهده‌دار این رسالت است تا باعث شود، علما و روحانیون شیعه نیز، در سفرهای حج و عمره و مواقع دیگر، از این فرصت استفاده نمایند و در سایه تعامل با این دسته از علمای وهابی، ضمن شناسایی چهره واقعی شیعه به آنان، سوء تفاهم‌ها و برداشت‌های غلط آنان نسبت به برخی از آموزه‌های شیعه را مرتفع نمایند.

تعریف تعامل

تعامل بر وزن تفاعل، یک واژه‌ی عربی و از ریشه عمل می‌باشد و اصل تعامل، عمل با رفتار است؛ بر همین اساس، تعامل، عمل و رفتار متقابل و دو طرفه را می‌رساند؛ چنانکه در کتب لغت،^۶ تعامل به معنای داد و ستد به کار رفته که یک عمل طرفینی است؛ اما در

۱. ادیبی لاریجانی، محمد باقر، مرزدار مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ص ۱۷۶-۱۷۵.

2. <https://cms.ibn-jebreen.com/fatwa/home/view/10712#.YizqDXpBxPY>

3. <https://cms.ibn-jebreen.com/fatwa/home/view/8748#.YizqLHpBxPY>

4. <https://cms.ibn-jebreen.com/fatwa/home/view/12461#.YizpbHpBxPY>

5. <https://cms.ibn-jebreen.com/fatwa/home/view/10293#.YizqnpBxPY>

۶. «طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۳۶»: «زییدی، سیدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲، ص ۵۰».

اصطلاح، برخی بر این باورند که این مفهوم درباره فرایندی به کار می‌رود که در آن، مردم در ارتباط با دیگران، دست به کنش و واکنش می‌زنند^۱ و برخی دیگر، تعامل را، عمل دو یا چند موجود زنده بر یکدیگر، یا با یکدیگر تعریف کرده‌اند.^۲

دیدگاه علمای شیعه درباره وجود علمای معتدل در وهابیت

برخی از علمای شیعه در دیدار و تعامل با این دسته از علمای وهابی، در گزارشات خود از این دیدارها، اعلام نمودند که تمام وهابیت یک طیف نیستند و برخی از آنان، به شدت تندرو و بر همان تفکرات اصیل وهابیت باقی و برخی دیگر نیز، معتدل و اهل تعامل هستند. آنها برخلاف گفتمان تند وهابیت، گفتمانی جدید و نرم و اعتدالی را مطرح می‌نمایند که برخی از دیدگاه‌های علمای شیعه در این باره، عبارت‌اند از:

الف: مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه، در تعاملاتی که با علمای وهابی در سفر مکه و مدینه داشت، به تقسیم‌بندی علمای وهابی به دو دسته، اشاره می‌کند و معتقد است، برخی از آنان حاضر به تعامل و تفاهم در هر زمینه‌ای به جز تعمیر قبور و بنای بر آن می‌باشند.^۳

ب: آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب وهابیت بر سر دو راهی، با تقسیم‌بندی وهابیت، مطالب زیبایی را در باب تعامل و تقریب با وهابیت تحت عنوان «وهابیون جدید» بیان می‌کند. ایشان معتقد هستند، برخلاف قشر متعصب و متحجر و خطرناک وهابی، قشر معتدلی در حال ظهور و بروز است که مسلمانان را متهم به شرک نمی‌کنند و از خون‌ریزی بیزارند؛ به عقاید دیگران احترام می‌گذارند و برچسب کفر و بدعت به دیگران نمی‌زنند. اهل گفتمان منطقی و دوستانه بین مذاهب اسلامی می‌باشند و کتب دیگران را نیز مطالعه می‌کنند؛ ضمن تجدیدنظر در افکار خشونت‌آمیز گذشته، حاضر به تعامل با سایر فرق اسلامی جهان هستند. گسترش این گروه در برخورد‌های علمی و فرهنگی در

۱. عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ص ۵۰۸.

۲. ساروخانی، باقر، دایرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۲۵۳.

۳. مغنیه، محمد جواد، هذه هي الوهابية، ص ۶۰.

ایام حج و عمره، به طور کامل نمایان است و آثار آن در کتاب‌هایی که اخیراً نوشته می‌شود، به خوبی به چشم می‌خورد.^۱

ج: شیخ حسن صفار از علمای قطیف عربستان سعودی که تجربه‌های زیادی در تعامل با علمای وهابی در عربستان داشته، با اشاره به این دو دستگی در میان وهابیت در تعامل با شیعه معتقد است که برخلاف دیدگاه وهابیت تندرو، برخی از شخصیت‌ها و علمای وهابی، دیدگاه معتدل‌تری دارند و با آنان ارتباط و تعاملاتی صورت گرفته است؛ هرچند برخی علاقمند بودند که به خاطر شرایط و فضای عمومی، این دیدارها محدود و خصوصی باشد؛ اما برخی از قبیل دکتر شیخ عوض القرنی، دکتر محمد حمید الاحمری، دکتر شیخ سلمان العوده، جسورانه‌تر عمل کرده و نوشته‌هایی منتشر کرده‌اند که در آن، به صراحت از لزوم بازنگری در رابطه بین سلفی‌ها و شیعیان، صحبت شده است.^۲

بنابراین در میان وهابیت نیز، افرادی یافت می‌شوند که برخلاف گفتمان تند وهابیت، گفتمانی جدید و نرم و اعتدالی را مطرح می‌نمایند و معتقد به بازخوانی برخی از باورهای رایج میان وهابیت هستند. این گروه علاوه بر پذیرش اسلام تشیع و برشمردن شیعه از مذاهب اسلامی، به تقریب بین مذاهب و ملاقات بین علمای مذاهب تأکید دارند و خود نیز به این تفکر پایبند بوده و با علمای سایر مذاهب (از جمله شیعه) نیز، نشست و برخاست می‌کنند؛ از جمله می‌توان به افرادی مانند شیخ صالح بن عبدالله الدرویش،^۳ دکتر محمد بن یحیی النجیمی،^۴ دکتر شیخ عوض بن محمد القرنی،^۵ دکتر مسفر بن علی

۱. مکارم شیرازی، ناصر، وهابیت بر سر دو راهی، ص ۱۳۹-۱۳۷.

۲. دخیل، احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۳۰۹.

۳. قاضی دادگاه تجدیدنظر مکه، قاضی سابق دادگاه بزرگ شرعی در قطیف، دارای مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود، فارغ التحصیل از مؤسسه عالی قضایی دارای تالیفاتی از قبیل آل البیت و حقوقهم الشرعیه؛ صحبة رسول الله؛ رحماء بینهم؛ الإمام جعفر الصادق.

۴. دکتر محمد بن یحیی النجیمی، رئیس گروه مطالعات مدنی دانشکده امنیتی ملک فهد، عضو فرهنگستان فقه اسلامی، استاد مؤسسه عالی قضایی.

۵. واعظ مشهور سعودی، دکترای حقوق اسلامی و استاد دانشگاه ملک خالد.

القحطانی،^۱ شیخ محمد بن صالح الدحیم،^۲ دکتر شیخ عبدالرحمن المحرج،^۳ دکتر شیخ عدنان بن جمعان الزهرانی،^۴ دکتر شیخ سعد بن عبدالله البریک،^۵ دکتر شیخ عیسی بن عبدالله الغیث،^۶ دکتر محمد بن أحمد الأحمري،^۷ شیخ عبدالمحسن العییکان^۸ اشاره کرد. این‌ها بخشی از علمای جدید وهابی می‌باشند که با شیخ حسن صفار و برخی دیگر از علمای قطیف دیدار کرده‌اند و بر تعامل و ارتباط با شیعیان تأکید داشتند. شرح این دیدارها و گفتگوها نیز در کتاب السلفیون والشیعة تجربة حوار تالیف عبدالباری احمد الدخیل آمده است. متأسفانه خیلی از افراد این طیف از وهابیت، به‌خاطر شرایط و فضای عمومی عربستان سعودی، اگرچه معتقد به تعامل با شیعه هستند، اما تمایلی به اظهار تعامل ندارند؛ بنابراین طبیعی است که در شناسایی افراد این طیف و سخنان آنان در رابطه با تعامل با شیعه، با محدودیت‌هایی در منابع مواجه باشیم.

دلایل قائلان به امکان تعامل با شیعه از سوی وهابیت

هریک از علمای معتدل وهابی که قائل به تعامل با شیعه هستند و این تعامل را ضروری

۱. دکترای اصول فقه از دانشگاه ام‌القری و مدرس گروه مطالعات اسلامی و عربی در دانشگاه نفت ملک فهد؛ برنده جوایز زیادی شده شرکت‌کننده در چندین سمینار داخلی و خارجی، کنفرانس و دوره‌های علمی و اداری؛ عضو چندین کمیته مشورتی داخلی و خارجی؛ صاحب کتاب‌ها و مقالات تحقیقاتی فراوان.
۲. قاضی سابق در وزارت دادگستری؛ فارغ‌التحصیل دانشکده شریعت، دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود، موسس و ناظر کل مرکز نوسازی فرهنگی، فعال در برنامه‌های تلویزیونی.
۳. دارای دکترای خانواده درمانی از دانشگاه کلمبوس آمریکا، لیسانس شریعت از دانشگاه امام محمد بن سعود و فوق-لیسانس حقوق کیفری اسلامی؛ فعال رسانه‌ای در رادیو قرآن کریم و شبکه دو و کانال خبری در تلویزیون سعودی و کانال بین‌المللی المجد.
۴. دارای مدرک دکترای فقه تجارت الکترونیک در فقه اسلامی از دانشگاه ام‌القری، مالک موسسه حقوقی عدنان مشاوره شرعی و حقوقی و مدیر نظارت مشروعیت در بانک الجزیره؛ دارای آثار فراوان از جمله نقش استعمار در وضع قوانین مثبت در کشورهای اسلامی.
۵. خطیب، امام و واعظ سعودی، دکترای فقه مقارن از مؤسسه عالی قضایی، مشاور و معاون کمیته عالی در دفتر شاهزاده عبدالعزیز، عضوی از تیم مشاوره برای زندانیان حامل ایدئولوژی تروریستی.
۶. دکتر از دانشگاه الازهر قاهره در فقه و حقوق؛ قاضی و مشاور در وزارت دادگستری؛ نماینده عربستان سعودی در برخی از کنفرانس‌های جهانی و منطقه‌ای؛ نویسنده مقالات در گروهی از روزنامه‌ها و مجلات و فعال رسانه‌ای.
۷. استاد دانشگاه و متفکر سعودی، دارای دکترای تاریخ از یکی از دانشگاه‌های بریتانیا، متخصص در روابط معاصر اروپا و عرب و تاریخ شمال آفریقا.
۸. مشاور وزارت دادگستری و عضو مجلس شورا.

می‌دانند، برای تعامل با شیعه، دلیل خاص خود را دارند که در این بخش، به بررسی دلائل قائلان به امکان تعامل وهابیت با شیعه، از سوی این علما پرداخته می‌شود.

دلیل اول: تعامل، یک ایده قرآنی

یکی از دلائل علمای وهابی موافق تعامل با شیعه، این است که تعامل و گفتگو را یک ایده قرآنی می‌دانند؛ یعنی با تحقیق و تفحص در دین اسلام و کتاب آسمانی آن، این نتیجه را می‌توان یافت که اسلام و قرآن، آیین و کتاب تعامل و گفتگو هستند؛ به عنوان نمونه، دکتر شیخ عوض بن محمد القرنی از علمای معتدل وهابی درباره ضرورت تعامل و گفتگو می‌نویسد: اصل گفتگو یک اصل شرعی است و من به آن ایمان دارم. خداوند سبحان در قرآن، با انواع مخلوقات خود سخن می‌گوید؛ با فرشتگان، با شیطان و با پیامبران. پیامبران با قوم خود گفتگو کرده‌اند و پیامبر ﷺ با مشرکان و منافقان و یهود و نصارا گفتگو کرده است و قرآن پر از داستان‌های گفتگو است؛ لذا تعامل و گفتگو، اصلی مبتنی بر کتاب و سنت است.^۱

شیخ عوض القرنی در پاسخ به این سوال که اگر اصل گفتگو یک اصل قدیمی و مبتنی بر کتاب و سنت است، پس چرا تا الان این قدم را بر نداشته‌اید، و با شیعیان به گفتگو و تعامل نپرداخته‌اید، می‌گوید: این یک مسئله اجتهادی است که عوامل زیادی از قبیل شرایط زمان، شرایط مکان، ظرفیت مخاطب، توانمندی‌های علمی، دانش او و از طرف دیگر، میزان تمایل دیگری برای گفتگو، وجود دارد که در زمان گفتگو تأثیر می‌گذارند.^۲

شیخ دکتر سعد بن عبدالله البریک، از دیگر علمای معتدل وهابی با استناد به این آیه شریفه: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۳ می‌گوید: وقتی خداوند متعال در قرآن کریم

۱. قاسم، عبدالعزيز، الحوار والتقارب المذهبي في المشهد السعودي: مكاشفات الشيخ حسن الصفار أنموذجاً، ص ۴۶۷-۴۶۶.

۲. دخیل، عبدالباری احمد، السلفيون والشيعة تجربة حوار، ص ۴۳.

۳. «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون

در باره تعامل با غیرمسلمانان این طور می فرماید که می توان به آنان نیکی نمود و با عدالت با آنان رفتار کرد، پس به طریق اولی با مسلمانان که برادرهای ما هستند و در اصول اعتقادات با ما موافق هستند، باید تعامل داشته باشیم؛ چنانکه در کتاب و سنت و روایات وارده از صحابه و اهل بیت علیهم السلام آمده است که باید تعامل داشته باشیم و با یکدیگر به عدالت و نیکی رفتار کنیم.^۱

در بررسی این دلیل باید گفت: این دلیل، می تواند دلیل بر تعامل بین وهابیت و شیعه باشد؛ زیرا خداوند در قرآن، نه تنها افراد را به گفتگو و تعامل تشویق می کند، بلکه راه و روش در گفتگو و تعامل را نیز بیان نموده است؛ به عنوان نمونه، خداوند خطاب به حضرت موسی و هارون علیهم السلام می فرماید: به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد؛^۲ در اینجا، خداوند یک اصل اساسی در تعامل و گفتگو، یعنی نرم سخن گفتن را بیان می کند. تأکید بر مشترکات طرفین را نیز بیان می کند. یا خداوند در جای دیگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب می کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...»؛^۳ خداوند در این آیه، یکی دیگر از اصول اساسی در تعامل و گفتگو، یعنی تعامل بر پایه مشترکات را مطرح می سازد.

در این آیه شریفه، خداوند اهل کتاب را به وحدت با مسلمین بر پایه مشترکات دینی فراخوانده است؛ حال با توجه به اینکه مشترکات شیعه با وهابیت، بیشتر و زیادتر از مشترکات مسلمانان با اهل کتاب است، پس اگر ما با اهل کتاب بر پایه مشترکات بین خود می توانیم تعامل و وحدت داشته باشیم، پس تعامل بین شیعه و این طیف از علمای وهابی، به سبب وجود اشتراکات بیشتر، به طریق اولی امکان دارد و خداوند به آن راضی و خشنود است.

دلیل دوم: تأکید روایات بر تعامل

یکی دیگر از دلایل علمای وهابی موافق تعامل با شیعه، وجود روایات تأکیدکننده بر تعامل

نراندند نهی نمی کند؛ چراکه خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد»؛ (سوره ممتحنه، آیه ۸).

۱. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۱۸۹.

۲. «أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى. فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»؛ (سوره طه، آیات ۴۴-۴۳).

۳. «بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم»؛ (سوره آل عمران، آیه ۶۴).

است؛ به خصوص تعامل مسلمانان با یکدیگر که در این روایات، علاوه بر تأکید و اهمیت تعامل، محدوده و شیوه تعامل نیز بیان شده است؛ به عنوان نمونه، دکتر محمد بن یحیی النجیمی^۱ از علمای معتدل وهابی در این باره معتقد است که کتاب‌های حدیثی ما، رابطه مسلمانان را به طور دقیق مشخص کرده است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «من صلی صلاتنا واستقبل قبلتنا وأکل ذیبحتنا فذلک المسلم له مالنا وعلیه ما علینا»؛^۲ در این حدیث، حضرت رسول صلی الله علیه و آله منشأ رابطه مسلمانان را مشخص کرده است؛ در واقع اهل قبله که مدعی اسلام هستند، حتی اگر در عقاید، اختلافی بین آنها وجود داشته باشد، هرچند اهل هوس و شهوات باشند، تا وقتی چیزی را که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده تکذیب نکنند، مسلمان محسوب می‌شوند.^۳

دکتر النجیمی، مدعی می‌شود، این منهج صحیح سلفی و دیدگاه جمهور علمای سلف درباره این موضوع است؛ نه منهج گروه‌های تکفیری مانند القاعده و سایر فرقه‌های تندرو که تکفیر می‌کنند و مسلمانان را به قتل می‌رسانند. این منهج، منهج و رویکردی است که ما اهل سنت نسبت به دیگران یا سایر فرقه‌های اسلامی داریم؛ البته این نظر ماست؛ ممکن است دیگران در فرقه‌های دیگر، تفسیر دیگری داشته باشند؛ اما نظر ما این است که مسلمان، از هر فرقه‌ای امکان خطا دارد که ممکن است او را به کفر بکشاند؛ اما این فعل، خود او را کافر نمی‌کند؛ ممکن است عمل، یا قول او، کفر باشد؛ اما هرگز نمی‌تواند او را کافر خواند؛ زیرا ممکن است عذری داشته باشد، یا از روی جهل، یا از روی تأویل، یا به هر دلیل دیگری این فعل یا قول از او صادر شده باشد.^۴

در مورد این بخش از کلام النجیمی، مبنی بر اینکه کتاب‌های حدیثی اهل سنت، رابطه مسلمانان را با یکدیگر مشخص کرده و نباید اهل قبله را تکفیر نمود، امر درست و

۱. دکتر محمد بن یحیی النجیمی، رئیس گروه مطالعات مدنی دانشکده امنیتی ملک فهد، عضو فرهنگستان فقه اسلامی، استاد مؤسسه عالی قضایی.

۲. «بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۸۷»؛ «نیشابوری، مسلم. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۵۳».

۳. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۶۰-۵۸.

۴. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۱۰۳-۱۰۰.

صحیحی است؛ اما بخش دیگر کلام او که ادعا نمود، منهج ما و سلف و اهل سنت یکی است و تنها القاعده و گروه تندرو، دیگران را تکفیر می‌کنند، خلاف واقع می‌باشد؛ زیرا اولاً، وهابیت راس تکفیر است و ریشه تکفیر در گروه‌های تکفیری مثل داعش و... به گفتمان محمد بن عبدالوهاب و ائمه دعوت نجد برمی‌گردد؛ زیرا رهبران گروه‌های تکفیری به تأثیرپذیری از پیشوایان فکری وهابیت از محمد بن عبدالوهاب تا سایر ائمه دعوت نجد اعتراف کرده و مطرح می‌سازند که علمای وهابی و آثار آنان، تأثیر بسزایی در ساختار اندیشه فکری آنان داشته‌اند؛^۱ علاوه بر آن، گروه‌های تکفیری از زمان پیدایش-شان تاکنون، رساله‌ها و جزوه‌های متعددی از خود منتشر کرده‌اند که در بسیاری از آنها، به فتاوا و سخنان محمد بن عبدالوهاب و سایر ائمه دعوت نجد استناد شده است؛^۲ افزون بر آن، این گروه‌ها، کتاب و رساله‌های محمد بن عبدالوهاب و سایر ائمه دعوت نجد را منتشر می‌کنند، که تمام‌شان حاکی از وابستگی و پیوند فکری گروه‌های تکفیری با وهابیت است.^۳ این از تاکتیک‌ها و ترفندهای جدید وهابیت است که همواره برای تبریّه خود از تکفیر که شالوده فکری آنان است، تکفیر را به دیگران از قبیل اخوان المسلمین و به‌خصوص، تفکرات سید قطب نسبت می‌دهند؛ چنانکه ربیع مدخلی از علمای تکفیری وهابی معتقد است که «إِنَّ كُلَّ مَنْصَفٍ يَعْلَمُ تَمَامَ الْعِلْمِ أَنَّ فِتْنَةَ التَّكْفِيرِ وَالتَّفْجِيرِ وَالدَّمَارِ إِنَّمَا هِيَ نَتِيجَةُ لِمَنْهَجِ وَفِكْرِ سَيِّدِ قُطْبٍ وَمُدْرَسَتِهِ وَكُتُبِهِ مِنْ سَارِ عَلَيَّ نَهْجِهِ»؛ هر منصفی به‌صورت واضح می‌داند که فتنه تکفیر، انفجار و ویرانی، نتیجه فکر و منهج سید قطب و مدرسه وی و آثار او و همچنین، آثار کسانی است که بر منهج وی معتقد هستند.^۴ این در حالی است که محمد بن عبدالوهاب و ائمه دعوت نجد، تنها خود و کسانی که گفتمان وهابیت را پذیرفته باشند، مسلمان می‌دانند. محمد بن عبدالوهاب به‌عنوان بنیان‌گذار وهابیت، در پاسخ به این پرسش اهل سنت حجاز، که چرا علی‌رغم اعتراف ما به

۱. جمعی از نویسندگان، زادگاه تروریسم با اسناد معتبر، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. مدخلی، ربیع، دحر افتراءات أهل الزيغ والارتیاب عن دعوة الإمام محمد بن عبدالوهاب (نقد لحسن المالکی)، ص ۱.

توحید و رسالت، تصدیق قرآن، ایمان به قیامت، اقامه نماز و روزه، باز مانند مشرکان با ما تعامل می‌کنی؟ مدعی می‌شود که چون آنان پرستش غیرالله انجام می‌دهند؛ لذا مشرک و غیرمسلمان محسوب شده، بنابراین، با آنان همانند مشرکان معامله می‌کند.^۱

ثانیاً: جریان القاعده، مانند دیگر جریان‌های تکفیری از قبیل داعش، یک طیف و گروه نیستند؛ بلکه گروه‌های متفاوت در این جریان هستند که تنها یک گروه از این جریان، که اتفاقاً گفتمان محمد بن عبدالوهاب و ائمه دعوت نجد را پذیرفته‌اند، تکفیری می‌باشند.

از آنجا که در برخی از فتاوای علمای وهابی، فتاوایی مبنی بر مشرک خواندن شیعه وجود دارد که با این روایت مذکور و سایر روایاتی که در همین باب وجود دارد، ناسازگار است، شیخ حسن صفار در مقابل کلام شیخ النجیمی به او اشکال می‌کند که بیانیه ۲۲ نفر از علمای وهابی در مورد تکفیر شیعه، با آنچه شما از کتب و منابع و متون ذکر کرده‌اید در تضاد است و شما باید موضع روشن و قاطعانه‌ای در قبال این افراد تندرو داشته باشید؛ در غیر این صورت، سکوت شما، نوعی رضایت از این کار می‌باشد.^۲

شیخ النجیمی هم در پاسخ عنوان کرد که من با آنها نبوده و از آنها هم نیستم و آنها از هیئت کبار العلماء هم نیستند. صف من از صف از آنها جداست و این بیانیه درباره تمام شیعیان نمی‌باشد؛ بلکه نسبت به شیعیان تندرویی است که در لبنان، به غرب بیروت هجوم بردند و تابلوهایی را که به نام عایشه و عمر و ابوبکر نوشته شده بود، شکستند؛ لذا این بیانیه، قشر خاصی را سرزنش می‌کند که موضع خاصی گرفتند.^۳ من شاگرد شیخ عبدالعزيز بن باز هستم؛ در مسجد ملک خالد از او پرسیدند: آیا شیعیان مسلمانند یا کافر؟ پاسخ داد: آنها از اهل قبله و مسلمانان هستند. این سخن شیخ حسن صفار، نکته خوبی است که می‌گوید: وحدت این نیست که در هر چیز کوچک و بزرگی توافق کنیم؛ این در

۱. ابن عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، ص ۳۷.

۲. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۱۴۲.

۳. همان، ص ۱۲۷-۱۲۶.

بین اهل سنت نیز محال است؛ چه رسد به آنچه بین اهل سنت و شیعه است.^۱

دلیل سوم: تعامل بر اساس اخوت و برادری دینی

یکی از دلایل علمای وهابی موافق تعامل با شیعه، این است که کتاب و سنت، پیوند بین مسلمانان را، پیوند اخوت و برادری دینی می‌داند و بر اساس این پیوند، ما باید با شیعه تعامل داشته باشیم. شیخ الزهرانی، از علمای معتدل وهابی معتقد است، آنچه ما را به تأکید بر اهمیت تعامل وادار می‌کند، این است که تمام مردم این کشور (اعم از شیعه و اهل سنت) مسلمان هستند و با پیوند برادری دینی متحد شده‌اند. برقراری ارتباط بین مسلمانان، قبل از آنکه یک ضرورت عصر حاضر باشد، یک مطلب دینی است و اسلام (از طریق متون شرعی)، بر اهمیت برادری ایمانی تأکید دارد؛ تا جایی که می‌توان آن را در درجه دوم پس از ایمان به خداوند متعال قرار داد. خداوند متعال، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.^۲

خداوند متعال در این آیه توضیح می‌دهد که، رسول اکرم ﷺ به تأیید از طرف خداوند متعال و به وجود مومنان در اطرافش، که قلب‌هایشان یکپارچه است، یاری می‌شود؛ یعنی جامعه اسلامی به دو چیز پیروز می‌شود که عبارت‌اند از: ایمان به خداوند متعال و برادری دینی در جامعه؛ چنانکه حضرت رسول ﷺ هنگام ورود به مدینه، اولین کاری که انجام داد، مواخات و برادری بین مسلمانان بود و اگر در آن هدفی که حضرت رسول ﷺ برای آن مبعوث شده است دقت و بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که می‌خواست مردم را از ظلمات و تاریکی و گمراهی خارج، و به سوی نور و رشد و حق و حقیقت رهنمون کند؛ یعنی آنها را از حالت تفرقه و کینه و نفرت از یکدیگر بیرون بیاورد، تا آنها را از مبدا اتحاد، متحد کند و قلوبشان را به هم نزدیک گرداند.^۳

۱. همان، ص ۱۲۸.

۲. سوره انفال، آیه ۶۳.

۳. دخیل، عبدالباری احمد، السلفيون والشيعة تجربة حوار، ص ۵۸-۵۷.

شیخ زهرانی درباره اینکه چرا عده‌ای از مسلمانان، علی‌رغم وجود این نصوص به-سمت تفرقه می‌روند و دیگران را تکفیر می‌کنند و یا آنها را بدعت‌گذار یا گمراه یا مهدورالدم می‌دانند، به سه دلیل اشاره کرد که عبارت‌اند از:

۱. پیروی از هوا و هوس در مقابل نصوص شرعی، دال بر حرمت خون و مال و آبروی مسلمان؛

۲. عدم بلوغ فکری این افراد در صدور فتوا؛

۳. اولویت قراردادن این افراد بر اسباب تفرقه؛ نه اسباب و عوامل اتحاد؛^۱

در بررسی این دلیل باید گفت: این دلیل، می‌تواند دلیل بر تعامل بین وهابیت و شیعه باشد. نکته قابل‌توجه در این استدلال این است که شیخ زهرانی، نه تنها شیعه را مسلمان، بلکه مصداق مومن می‌داند. این دیدگاه با دیدگاه خط اصیل وهابیت که شیعه را مشرک و از دایره اسلام خارج می‌داند، قابل مقایسه نیست.

دلیل چهارم: سیره عملی انبیا در تعامل با مخالف

از دیگر دلایل قائلین به امکان تعامل با شیعه از سوی وهابیت، الگوگیری از سیره عملی انبیا، به خصوص پیامبر خاتم، حضرت محمد مصطفی ﷺ در تعامل و گفتگو با دیگران، خصوصاً با مخالفان است؛ به عنوان نمونه، دکتر شیخ عوض بن محمد القرنی، از علمای معتدل وهابی، تعامل و گفتگو را سیره انبیا دانسته و معتقد است که پیامبران، شب و روز، به صورت پنهان و آشکار، قوم خود را در میان خود صدا می‌کردند. کسانی که با آنها مخالف بودند، انگشتانشان را در گوشه‌هایشان قرار دادند و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند! در گوشه‌هایشان پنبه می‌زدند و می‌گفتند: به این قرآن گوش ندهید و در آن منحرف نشوید. حق این است که گفتگو و تعامل، سیره انبیاست و اهل تعامل، تبعیت‌کننده انبیاست و کسانی که گفت‌وگو را رد می‌کنند، کسانی هستند که با پیامبران مخالفت کردند و با آنها جنگیدند؛ علاوه بر آن، اگر ما با دیگران گفتگو و صحبت نکنیم، چگونه ممکن است که مخالف را هدایت کنیم و

۱. همان، ص ۶۰-۵۸.

آنچه را که به او پیشنهاد می‌کنیم، بپذیرد؟^۱

دکتر محمد بن یحیی النجیمی، از علمای معتدل وهابی نیز، در مصاحبه با روزنامه الوطن، در پاسخ به این مطلب که برخی از علما با رفتن شما به قطیف و دیدار با علمای شیعه مخالف هستند و به آن اعتراض کرده‌اند، پاسخ داد: هر کس که با اصل دیدارها و گفتگوهای ما سلفی‌ها با شیعیان مخالفت کند، با روش رسول خدا ﷺ در گفتگو با فرق اسلامی، بلکه با غیرمسلمانان، مخالفت کرده است.^۲

در بررسی این دلیل باید گفت: این دلیل، دلیل بسیار خوبی است؛ چراکه در قرآن-کریم، تعامل‌ها و گفتگوهای مختلفی بیان شده است که از جمله آنها، تعامل و گفتگو انبیا، به‌خصوص پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی ﷺ با پیروانشان، با مخالفانشان، با مشرکان، با منافقین و با پیروان سایر ادیان می‌باشد؛ همان‌طور که می‌دانید، تمام پیامبران الگو هستند؛ به‌خصوص پیامبر اسلام ﷺ که افضل و خاتم پیامبران در تمام شئون فردی و اجتماعی و بهترین الگو برای مسلمانان می‌باشد و خداوند در قرآن بر این نکته تأکید دارد که آن حضرت را الگوی خود قرار دهید. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۳؛ «یقیناً برای شما در (روش و رفتار) پیامبر خدا ﷺ الگوی نیکویی است؛ برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند؛ بنابراین تمام مسلمانان (به‌خصوص وهابیت)، می‌توانند سیره عملی و رفتاری آن حضرت را به‌عنوان سیره عملی خود در تعامل با سایر مسلمانان قرار دهند.

دلیل پنجم: تعامل بر اساس زندگی مسالمت‌آمیز

از دیگر دلایل قائلین به امکان تعامل با شیعه از سوی وهابیت، بحث تعامل بر اساس زندگی مسالمت‌آمیز است که مورد توجه برخی از علمای معتدل وهابی نیز قرار گرفته

۱. قاسم، عبدالعزیز، الحوار والتقارب المذهبی فی المشهد السعودی: مکاشفات الشیخ حسن الصغار أنموذجاً، ص ۴۷۱.

2. <https://elaph.com/Web/NewsPapers/2008/6/343853.htm>.

۳. سوره احزاب، آیه ۲۱.

است؛ به عنوان نمونه، دکتر محمد بن یحیی النجیمی از علمای معتدل وهابی معتقد است که بشریت، به ناچار باید در کنار همدیگر زندگی کنند؛ لذا اگر خدای متعال می خواست تمام مردم را هدایت کند، این کار را انجام می داد؛ اما خدای متعال بر اساس حکمت خود، این تنوع را خواسته است؛ پس بشریت باید با یکدیگر زندگی کنند و نیازمند تعامل با یکدیگر هستند.^۱

در بررسی این دلیل باید گفت: همزیستی مسالمت آمیز، اصل اساسی در پیوند زندگی اجتماعی بوده و نقش مهمی در تأمین امنیت و آسایش و صلح اجتماعی و توفیق دستیابی به موفقیت ها و پیشرفت های فردی و اجتماعی دارد. در آیات قرآن کریم و سیره پیشوایان دین، بر رعایت این دو اصل در روابط میان ملت ها و توده مردم، به خصوص اقلیت ها، تأکید شده است. مدارا و همزیستی مسالمت آمیز با هموعان بر مبنای اصل کرامت ذاتی انسان، از اصول اساسی اسلام به شمار می آید؛^۲ اما نکته قابل توجه این است که در میان دلایل مطرح شده از سوی وهابیت، شاید این دلیل را می توان به عنوان ضعیف ترین دلیل و توجیه برای تعامل بین شیعه و وهابیت برشمرد؛ زیرا تعامل بر اساس همزیستی مسالمت-آمیز با هر فرد و گروه و آئینی، اعم از مسلمان و غیرمسلمان امکان پذیر خواهد بود.

دلیل ششم: وجود دشمن مشترک

از دیگر دلایل قائلین به امکان تعامل با شیعه از سوی وهابیت، بحث وجود دشمن مشترک و تعامل بر اساس آن می باشد؛ لذا یکی از عواملی که ما مسلمانان را می تواند به همدیگر نزدیک نماید و بر اساس آن، تعامل و گفتگو صورت گیرد، وجود دشمن مشترک می باشد. برخی از علمای وهابی یکی از دلایل تعامل با شیعه را همین دانسته اند؛ به عنوان نمونه، دکتر عوض القرنی از علمای معتدل وهابی در این باره می گوید: تمام منطقه مورد هدف آمریکا و دیگران است و مردم عاقل منطقه می دانند که ما نمی توانیم در مقابل دشمن بایستیم؛ مگر اینکه از اختلافات و مشکلات خود فراتر رفته و به راه حل و یک

۱. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۹۹.

۲. رفیعی، محمدطاهر، صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اسلام؛ نقدی بر رویکرد اسلام هراسی، ص ۱۰۳.

حرف مشترک برسیم.^۱

شیخ صالح المغامسی، امام جماعت و خطیب سابق مسجد قباء مدینه منوره معتقد است که اهل سنت و شیعه و اسماعیلیه و اباضیه، تمامشان به خداوند متعال و به حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر و به اسلام به عنوان دین خود ایمان دارند. وقتی نماز می خوانند، به سوی کعبه نماز می خوانند و کعبه را قبله خود و قرآن را کتاب خود و قیامت را وعده گاه همه و بهشت را پاداش مومنین و جهنم را نیز، جزاء گناه کاران می دانند؛ پس سزاوار این است که بین اینها جنگ و خونریزی نباشد و اینکه هر کدام از اینها اجتهاد می کنند و خود را بر حق می بینند؛ پس باید به خاطر تعبد به خدای متعال با یکدیگر متحد شوند. باید تمام اینها بدانند که مهم نیست که در چه کشور یا منطقه هایی زندگی می کنید؛ چون سرنوشت تمام مسلمانان یکی است و اگر دشمن دستش به مسلمانان برسد، بین هیچ یک از اینها فرق قائل نمی شود.^۲

در بررسی این دلیل باید گفت که این دلیل نیز، یکی از بهترین دلایل برای تعامل مسلمانان با یکدیگر است؛ زیرا ما مسلمانان همواره دارای دشمنانی واحد هستیم، که هدف آنها، استثمار ملت های مسلمان می باشد. دشمنان برای رسیدن به این هدف، از هیچ کوششی دریغ نمی کنند، و تلاش دارند مسلمانان را مقابل یکدیگر قرار دهند، تا از دشمنان خود غافل شده و زمینه را برای نفوذ خود فراهم کنند؛ حال یکی از عواملی که مسلمانان را می تواند به همدیگر نزدیک نماید و بر اساس آن، تعامل و گفتگو صورت گیرد، وجود دشمن مشترک می باشد که این عده از علمای وهابی نیز، به خوبی به آن اشاره نموده اند.

دلیل هفتم: تعامل بر اساس وحدت و گفتگوی ملی

یکی دیگر از دلایل قائلان به امکان تعامل با شیعه از سوی وهابیت، بحث تعامل بر اساس وحدت و گفتگوی ملی است؛ به عنوان نمونه، دکتر النجیمی در مورد وحدت وطنی می گوید: وحدت ملی امری مهم و اساسی است که هم علمای ما و هم شیخ حسن صفار

1. <https://www.saffar.me/?act=artc&id=263>.

2. <https://www.aparat.com/v/3oDIR>.

بر روی آن تأکید دارد؛ از زمانی که این نهاد بزرگ (بیش از ۲۶۰ سال پیش)، تأسیس شده است، فرقی بین یک قبیله و قبیله دیگر و یک منطقه و منطقه دیگر و یک طایفه و طایفه دیگر گذاشته نشده است. این سرزمین برای همه بوده و حتی ملک عبدالعزيز به شیخ محمد بن ابراهیم نامه نوشت که مردم قطیف از نظر احوال شخصیه و موقوفات و احکام، پیرو آموزه شیعه یا جعفری باشند. این حتی در نظام قضایی قدیم ما هم وجود دارد و تا الان هم موجود است. ملک عبدالعزيز وقتی به قطیف آمد، به دعوت مردم قطیف آمد و مردم قطیف با ملک عبدالعزيز بیعت کردند و با آسودگی و عشق وارد حکومت عربستان شدند و این درست و صادقانه و مورد قدردانی ماست؛ ما چند اصل برای این وحدت وطنی داریم که اول آن شریعت اسلامی است و ما همه مسلمانییم؛ بر کتاب خدا و سنت رسول - خدا ﷺ گفتگو می‌کنیم. این از نعمت خداست که این جزیره تنها یک دین دارد و هیچ معبدی جز برای مسلمانان وجود ندارد و تنها مسلمانان در آن خواهند بود. اصل دوم اینکه، حاکمیت با خاندان آل سعود است که مورد توافق مردم این کشور است.

اصل سوم، تمامیت ارضی این کشور است که ملک عبدالعزيز آن را یک پارچه ساخت.^۱

شیخ عیسی بن عبدالله الغیث نیز، در مقاله خود با عنوان «الأخوة الوطنية.. السّنة والشیعة نموذجا» که در روزنامه «المدينة» منتشر نموده، می‌گوید: شیعیان سعودی در تاریخ خود، عشق به وطن، وفاداری و ارادت خود را به آن ثابت کرده‌اند و اگر رفتارهای نابهنجار مشاهده شود، افراط‌گرایی فردی است که این توجیه‌پذیر نیست که همه را مسئول بدانیم. او در مقاله خود، از اعتدال‌گراها این درخواست را نمود که در برابر افراط-گرایی در تمام جهات ایستادگی نمایند و تمام گروه‌ها برای رسیدن به وحدت ملی در یک صف، ادغام و متحد شوند.^۲

۱. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون والشیعة تجربة حوار، ص ۱۱۱-۱۱۰.

2. <https://www.al-madina.com/article/65472> /الأخوة-الوطنية-السنة-والشیعة-نموذجا

در بررسی این دلیل باید گفت: این دلیل بیشتر از سوی علمای وهابی و شیعه عربستان سعودی مطرح می‌شود. بر اساس این تعامل، همه ساکنان یک وطن، فارغ از هر فکر و اندیشه و سلیقه‌ای هستند. آنها باید از اختلاف و درگیری پرهیز کنند و در پیشرفت و آبادانی کشور و وطن خود تلاش کنند؛ لذا همین هدف می‌تواند فرزندان یک وطن را در کنار یکدیگر قرار دهد و از اختلاف و درگیری بین یکدیگر جلوگیری نماید؛ بنابراین، هزینه‌هایی را که قرار است، صرف درگیری و اختلاف بین طرفین شود، صرف همدلی و اتحاد و آبادانی وطن خود می‌شود؛ اما نکته قابل توجه در این استدلال آن است که پایه و اساس این تعامل نیز، بر این است که وهابیت، شیعه را مسلمان بداند و برای او در آبادانی وطن، سهمی قائل باشند که از قرائن و شواهد این طور فهمیده می‌شود، این دسته از علمای وهابیت، این امر را قائل هستند.

نتیجه

با بررسی‌های صورت گرفته، این نتیجه یافت شد که در مسئله تعامل با شیعه، علمای وهابیت از یک طیف و گروه نیستند؛ بلکه عده‌ای از آنها بر همان رویکرد خط اصیل وهابیت، یعنی عدم امکان تعامل با شیعه هستند؛ اما عده‌ای دیگر، اهل تعامل و گفتگو با شیعه هستند که گزارشات علمای شیعه‌ای که با آنان تعامل داشتند، بر این مطلب گواهی می‌دهد. این دسته از علمای وهابی، برای اعتقاد به تعامل با شیعه، دلایل مختلفی از قبیل، ایده قرآنی بودن تعامل، تأکید روایات بر تعامل، تعامل بر اساس اخوت و برادری دینی، تعامل بر اساس زندگی مسالمت‌آمیز، وجود دشمن مشترک، تعامل بر اساس وحدت و گفتگوی ملی را مطرح می‌نمایند که تمام این دلایل، بر تعامل شیعه با وهابیت دلالت دارد؛ اما نکته اساسی و قابل تامل این است که ادعای این طیف از علمای وهابی، مبنی بر تعامل با شیعه و دلایل آنان، در صورتی به نتیجه مناسب خواهد رسید که آنان، حقیقتاً برخلاف گفتمان عقیدتی محمد بن عبدالوهاب و خط اصیل وهابیت در باب توحید و شرک، اسلام و توحید شیعه را به رسمیت بشناسند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عبدالوهاب، محمد، رسالة في الرد على الزافضه محقق: ناصر بن سعد الرشيد. رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی تا.
۳. ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵. دخیل، عبدالباری احمد، السلفیون و الشیعه تجربه حوار، بی جا: بی تا، ۲۰۱۲م.
۶. دویش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة، ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، بی تا.
۷. رفیعی، محمدطاهر، «صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اسلام؛ نقدی بر رویکرد اسلام هراسی»، فصل نامه پاسخ، سال دوم، شماره هفتم، بی تا.
۸. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، بی تا.
۹. ساروخانی، باقر، دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۶ش.
۱۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
۱۱. عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
۱۲. قاسم، عبدالعزیز، الحوار والتقارب المذهبی فی المشهد السعودی، مکاشفات الشیخ حسن الصفار أنموذجا، ریاض: مكتبة العبيكان، ۲۰۰۸م.
۱۳. مدخلی، ربیع بن هادی، دحر افتراءات أهل الزيغ والارتیاب عن دعوة الإمام محمد بن عبدالوهاب نقد لحسن المالکی، بی جا: مكتبة الفرقان، بی تا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، وهابیت بر سر دو راهی، قم: مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
۱۵. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۶. مغنیه، محمدجواد، هذی هی الوهابیه، قم: مؤسسة دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
۱۷. ادیبی لاریجانی، محمدباقر، مرزدار مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم: دانشکده اصول دین، ۱۳۸۸ش.
۱۸. جمعی از نویسندگان، زادگاه ترور یسم با اسناد معتبر، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل بیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۹۶ش.

19. <https://www.aparat.com>
20. <https://fa.shafaqna.com>
21. <https://www.al-madina.com>
22. <https://www.saffar.>
23. <https://elaph.com>
24. <https://www.ibn-jebreen.com>